Scientific quarterly (scientific-research article) of Islamic world political research
Vol. 14, No. 4, Winter 2025, 23-48
DOI: 10.21859/priw-140402

The Role of Cultural, Political, and Social Structures in Reducing Religious Conflicts in the Islamic World (Presenting Solutions)

Jahandar Amiri[1], Masome Hajiamoosha[2]

Date of Received: 2024/07/15 **Date of Acceptance**:2024/11/3

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

Abstract

Objective: This research aims to identify and analyze effective strategies for reducing religious conflicts in the Islamic world, particularly between Shia and Sunni Muslims. The main objective is to examine the challenges arising from these conflicts and propose comprehensive solutions to enhance unity. **Methodology:** The study employs qualitative content analysis, with data collected through documentary and library methods, as well as in-depth interviews with experts and religious scholars. This approach allows for a deep exploration of the topic's various dimensions.

Findings: The findings indicate that reducing religious conflicts requires a multifaceted approach, including strengthening interfaith dialogue, cultural and social exchanges, the constructive role of media and education, organizing joint scientific conferences, emphasizing shared religious principles, countering

1. Assistant Professor, Journalism and News Department, Faculty of IRIBU Tehran, Iran. (responsible Author) , jahandar.amiri@iribu.ac.ir

2. Assistant Professor Department of the Arabic Department, Imam Sadiq University (Sisters' Campus), Tehran, Iran. M.H.amoosha@isu.ac.ir

Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/ or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA...

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

extremism, and fostering scientific and cultural collaborations.
Conclusion: This research emphasizes the importance of collective and ongoing efforts by governments, religious leaders, intellectual elites, and the public to achieve unity and convergence in the Islamic world. Such efforts, if coordinated and purposeful, can reduce tensions and promote a culture of tolerance, forbearance, and peaceful coexistence through the dissemination of shared Islamic values.

Keywords: Islamic world, Islamic unity, constructivist theory, religious conflicts, Islamic convergence.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال چهاردهم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۳، صص ۴۸ - ۲۳

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۴۰۴۰۲

نقش ساختارهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در کاهش اختلافات مذهبی در جهان اسلام (ارائه راهکار)

جهاندار امیری[۱]
معصومه حاجی عموشا[۲]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۳

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تحلیل نقش ساختارهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در کاهش اختلافات مذهبی در جهان اسلام، به ویژه میان شیعیان و اهل سنت، انجام شده است. این مطالعه بر بررسی چالش‌های ناشی از این اختلافات تمرکز دارد و راهکارهای عملی مبتنی بر ساختارهای یادشده را برای تقویت وحدت و همگرایی اسلامی پیشنهاد می‌کند.

روش‌شناسی: پژوهش از رویکرد کیفی با روش تحلیل محتوای استقرایی بهره می‌گیرد. داده‌ها از طریق بررسی اسنادی و کتابخانه‌ای منابع مرتبط، همراه با مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۵ متخصص روابط بین‌الملل و علمای دینی (با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند) جمع‌آوری شده است.

یافته‌ها: نتایج نشان می‌دهد که کاهش اختلافات مذهبی نیازمند رویکردی چندبعدی و مبتنی بر ساختارهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است که شامل تقویت گفت‌وگوی بین‌مذهبی، تبادل فرهنگی و اجتماعی، نقش سازنده رسانه‌ها و آموزش، برگزاری کنفرانس‌های علمی مشترک، تأکید بر اصول مشترک دینی، مقابله با افراط‌گرایی، و همکاری‌های علمی و فرهنگی می‌شود

نتیجه‌گیری: این پژوهش بر ضرورت تلاش‌های هماهنگ و پایدار از سوی دولت‌ها، رهبران دینی، نخبگان فکری و جوامع اسلامی برای تحقق وحدت تأکید دارد. اجرای این راهکارها می‌تواند تنش‌های مذهبی را کاهش دهد، همزیستی مسالمت‌آمیز را ارتقا بخشد و زمینه‌ساز توسعه پایدار در جهان اسلام شود. همچنین، نقش نظریه سازه‌انگاری در برساخت هویت‌های مشترک و تغییر ساختارهای اجتماعی برجسته شده است.

واژه‌های کلیدی: جهان اسلام، وحدت اسلامی، نظریه سازه‌انگاری، اختلافات مذهبی، همگرایی اسلامی.

۱. دانشیار گروه ژورنالیسم و خبر، دانشکده ارتباطات ورسانه، دانشگاه صدا و سیما، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
jahandar.amiri@iribu.ac.ir

۲. استادیار گروه عربی دانشگاه امام صادق ع (پردیس خواهران)،تهران، ایران. M.H.amoosha@isu.ac.ir

Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

مقدمه

در دنیای معاصر، وحدت و همگرایی میان گروه‌ها و مذاهب مختلف اسلامی به عنوان یکی از ضرورت‌های بنیادین جوامع مسلمانان برجسته شده است؛ این ضرورت نه تنها بر پایه اصول عقلی و تجربی استوار است، بلکه در متون مقدس اسلامی، از جمله آیات متعدد قرآن کریم، به صراحت مورد تأکید قرار گرفته است (آل عمران، ۱۰۳ و انبیاء، ۹۲). امت اسلامی، با برخورداری از اشتراکات عمیق در اصول و ارزش‌های دینی، فرهنگی و تمدنی، از ظرفیت‌های بالقوه‌ای برای پیشرفت، تعالی و تحقق اهداف جمعی برخوردار است. چنین همبستگی‌ای نه تنها قدرت و اقتدار جهان اسلام را در عرصه روابط بین‌الملل تقویت می‌کند، بلکه بستر مناسبی برای توسعه پایدار و شکوفایی اقتصادی-اجتماعی جوامع مسلمان فراهم می‌آورد. در این چارچوب، وحدت به مفهوم احترام به تنوع فکری و مذهبی، ضمن حفظ هویت‌های مستقل، زمینه‌ساز همزیستی مسالمت‌آمیز و همکاری سازنده می‌شود. در نتیجه، امت اسلامی می‌تواند از طریق این وحدت، چالش‌های جهانی را به طور مؤثر مدیریت کرده و به سوی آرمان‌های مشترک پیش رود.

با این حال، عوامل متعددی همچون اختلافات قومی، نژادی، تاریخی و تنوع ساختارهای سیاسی در جهان اسلام، همراه با بی‌اعتمادی‌ها، افراط‌گرایی‌ها، تعصبات و انحرافات ایدئولوژیک، هویت جمعی و انسجام جوامع اسلامی را با چالش‌های ساختاری مواجه ساخته است. در این میان، تفرقه و اختلافات مذهبی، به ویژه دوگانگی میان شیعه و سنی، به عنوان یکی از برجسته‌ترین موانع پیشرفت و شکوفایی جهان اسلام شناسایی شده است. این اختلافات، که ریشه در عوامل سیاسی و تاریخی، و همچنین سیاست‌های تفرقه‌انگیز قدرت‌های خارجی با عناوینی همچون شیعه‌هراسی، ایران‌هراسی و ترس از انقلاب اسلامی ایران دارند (Fischer ۲۰۰۶: ۱۵۷)، به تضعیف وحدت و همبستگی امت اسلامی انجامیده و زمینه‌ساز مداخله‌های خارجی و بهره‌برداری از این شکاف‌ها شده است (حافظ نیا و میرزائی تبار، ۱۳۹۹: ۱۱۶). پیامدهای این وضعیت، شامل ظهور جنگ‌ها و درگیری‌های فرقه‌ای، تشدید خشونت و افراط‌گرایی، تخریب زیرساخت‌های اجتماعی-اقتصادی، و آوارگی میلیون‌ها نفر، نه تنها فرصت‌های توسعه را از جوامع مسلمان سلب کرده، بلکه تصویر جهانی اسلام را مخدوش ساخته و به سوءبرداشت از آموزه‌های آن دامن زده است.

در مقابل این چالش‌ها، دین اسلام با رویکردی فراملی و جهان‌شمول، بر برادری مسلمانان و وحدت جوامع اسلامی بر پایه فطرت و طبیعت مشترک انسانی تأکید می‌ورزد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹:

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

۵۸). همچنین، اسلام از طریق تقسیم‌بندی‌هایی همچون دارالاسلام در برابر دارالکفر، نظم اجتماعی و رویکردی خاص در عرصه جهانی ارائه می‌دهد (سرخیل، ۱۳۹۸: ۲۴) که بر مبنای منطق قرآنی و دینی، پیوستن به ریسمان الهی و تقویت وحدت را الزامی می‌سازد. با توجه به این مقدمات، و با عنایت به اهمیت وحدت و همگرایی در جهان اسلام و آسیب‌های ناشی از تفرقه، مسئله محوری این پژوهش بررسی چگونگی گذار از اختلافات مذهبی به سوی یکپارچگی و همکاری میان مسلمانان است، به گونه‌ای که ضمن حفظ هویت و استقلال هر مذهب، امت اسلامی به اهداف مشترک خود دست یابد. بر این اساس، هدف اصلی پژوهش، شناسایی و تحلیل راهکارهای عملی برای غلبه بر دوگانگی شیعه-سنی، کاهش تنش‌های مذهبی، تقویت همبستگی اسلامی، و ایجاد فضایی از صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز است.

اهمیت این پژوهش از دو منظر آکادمیک و کاربردی قابل تبیین است. نخست، این مطالعه در بستری انجام می‌شود که جهان اسلام با چالش‌های چندلایه‌ای همچون تفرقه‌های مذهبی مواجه است؛ ارائه راهکارهای عملی برای غلبه بر این چالش‌ها می‌تواند به بهبود وضعیت موجود و شکل‌گیری آینده‌ای پایدارتر برای جوامع مسلمان کمک کند، همان‌گونه که کارل دویچ تأکید دارد که در سایه ارتباطات نزدیک، واحدهای مستقل به اجزای یک سیستم یکپارچه تبدیل می‌شوند (Deutsch, 1971: 158). دوم، یافته‌های این پژوهش می‌تواند به عنوان منبع ارزشمندی برای سیاست‌گذاران، رهبران مذهبی، نخبگان فکری و سایر ذی‌نفعان در حوزه جهان اسلام عمل کند و مبنایی برای طراحی برنامه‌ها و سیاست‌های وحدت‌گرا، ترویج گفت‌وگوی بین‌مذهبی، و ایجاد فضایی از تفاهم و همدلی میان مسلمانان فراهم آورد.

جهان اسلام

اسلام به‌عنوان دومین دین بزرگ در سطح جهانی، بخش بزرگی از جمعیت جهانی را با عنوان مسلمان به هم پیوند داده که در قاره‌های مختلف پخش شده‌اند. این گستره جغرافیایی، از سواحل اقیانوس اطلس در غرب تا مرزهای غربی چین در شرق امتداد دارد و دارای جهت جغرافیایی تقریباً جنوب غربی تا شمال شرقی است (حافظ نیا و میرزائی تبار، ۱۳۹۹: ۱۱۶). به‌طور مشخص، کشور گویان در شمال آمریکای جنوبی به عنوان غربی‌ترین کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی شناخته می‌شود، در حالی که اندونزی در جنوب شرقی آسیا، شرقی‌ترین کشور مسلمان این سازمان است. قزاقستان به‌عنوان شمالی‌ترین کشور مسلمان در آسیای مرکزی قرار دارد و موزامبیک نیز در جنوبی‌ترین نقطه قاره آفریقا واقع شده است (کاظم پور و معدنی، ۱۳۹۸: ۸۱).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

جهان اسلام به‌طور کلی تقریباً ۲۰ درصد از جمعیت جهانی و ۲۵ درصد از کشورهای مستقر در کره زمین را شامل می‌شود و در حدود ۱۹ تا ۲۰ درصد از سطوح خشکی‌های کره زمین به مسلمانان اختصاص یافته است. این جمعیت، یک نیروی فرهنگی، اقتصادی و عقیدتی عظیم را به وجود می‌آورد (مستوفی الممالکی، ۱۳۸۱: ۱۶۲). ترکیب جمعیتی در کشورهایی که بخشی از جهان اسلام به شمار می‌آیند، به گونه‌ای است که مسلمانان در بسیاری از کشورها بین ۶۵ تا ۷۵ درصد از جمعیت را تشکیل می‌دهند و اعتقادات اسلامی به عنوان مهم‌ترین عامل هویتی در این مناطق حضور دارد. اکثریت مطلق مسلمانان در قاره آسیا (۵۳ درصد)، ۲۴ درصد در آفریقا و مابقی در سایر قاره‌ها پراکنده‌اند (نظری، ۱۳۷۲: ۲۰-۲۵).

کشورهای اسلامی با در اختیار داشتن بزرگ‌ترین منابع زیرزمینی و تولیدی، یک مجموعه اقتصادی قابل توجه را تشکیل داده، که از مدار صفر درجه تا مناطق معتدل دنیا، از شرق آسیا تا غرب آفریقا و اروپا ادامه دارد. در این حوزه جغرافیایی، چندین تنگه مهم مانند جبل الطارق، باب المندب، هرمز و مالاکا وجود دارد که همگی از مناطق استراتژیک و ژئوپلتیک به شمار می‌روند. این تنگه‌ها به همراه کانال سوئز، منطقه آسیای میانه، قفقاز و خاورمیانه، به دلیل وجود منابع معدنی و فسیلی، زمین‌های حاصلخیز و تنوع آب و هوایی، شرایطی بسیار مطلوب‌تر نسبت به سایر مناطق دنیا دارند (حافظ نیا و میرزائی تبار، ۱۳۹۹: ۱۱۶).

این پژوهش به‌طور کلی مفهوم جهان اسلام را شامل سرزمین‌هایی می‌داند که در آن‌ها مردم بیشتری پیرو دین اسلام هستند. این شامل مسلمانانی می‌شود که در کشورهای اسلامی زندگی می‌کنند و همچنین آن‌هایی که در کشورهای غیراسلامی ساکن هستند. همچنین این مفهوم کشورهای اسلامی را در بر می‌گیرد که هنوز به سازمان کنفرانس اسلامی ملحق نشده‌اند، اما می‌توان آن‌ها را اسلامی تلقی کرد. در وضعیت کنونی، حدود شصت کشور مستقل وجود دارد که بیش از ۵۰ درصد جمعیت آن‌ها مسلمان هستند. علاوه بر این، اقلیت‌های مسلمان در کشورهای مختلف نیز به مفهوم جهان اسلام افزوده می‌شوند، به طوری که این جمعیت به لحاظ جغرافیایی در سطح جهانی گسترش یافته است (رجاء، ۱۳۹۰: ۴۰). به‌طور خلاصه، جهان اسلام به‌عنوان یک نهاد فرهنگی و اجتماعی، با منافع و ثروت‌های عظیم خود، نقش قابل توجهی در تحولات جهانی ایفا می‌کند و نیاز به توجه و همکاری‌های گسترده‌تر در درون و خارج از این دایره، برای همگرایی و وحدت دارد.

وحدت اسلامی

وحدت اسلامی به معنای برقراری انسجام و همبستگی در میان امت اسلامی و جهان اسلام است؛

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

به‌گونه‌ای که این وحدت می‌تواند نویدبخش تشکیل یک امت واحد اسلامی باشد. در قرآن کریم آمده است: « همانا این امت شماست؛ امتی یگانه و من رب و پروردگار شما هستم.پس از من پروا کنید» (مؤمنون: ۵۲). در مفهوم وحدت اسلامی، هیچ‌گاه منظور، کنار نهادن دیگر مذاهب نیست. به‌علاوه، وحدت اسلامی باید به‌عنوان ابزاری برای تحقق یک امت واحد در سطح جوامع اسلامی و جهان اسلام در نظر گرفته شود. از این رو، در نگاه نظریه‌پردازان، وحدت اسلامی به مجموعه‌ای از سیاست‌ها، تصمیم‌سازی‌ها و روش‌هایی اطلاق می‌شود که به بهره‌برداری از امکانات مشترک و اتخاذ الگوهای یکسان منجر می‌شود و در نهایت نتیجه و پیامد آن تحقق وحدت اسلامی خواهد بود. به همین دلیل خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «واعتَصموا بِحبلِ اللّه جمیعا ولاَ تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳). در پرتو آیات قرآن، وحدت کلمه امت اسلامی به معنای وحدت دینی و اسلامی است و به‌عنوان یک روش و ابزار برای تحقق اهداف و مقاصد دینی و الهی تلقی می‌شود (آذین، ۱۳۹۳: ۱۹۱).

وحدت از منظر دینی امری مطلوب و آرمانی است که بر آن تأکید و سفارش بسیار شده است؛ به‌گونه‌ای که اقامه دین در پرتو وحدت امت اسلامی تحقق می‌یابد. این وحدت در قلمرو حکومت‌ها و جوامع اسلامی و در میان ملل مسلمان، وحدت سیاسی گفته می شود (فولادی،۱۳۸۷: ۷۸-۷۷) و با توجه به اینکه با پیوند و رشته ایمانی، مردم جوامع اسلامی به هم پیوند میخورند، امت واحده اسلامی تشکیل میشود؛ امتی که به عنوان حلقه اتصال همه مسلمانان جهان، صرف نظر از تفاوتهـاي قومي، مذهبي، نژادي، زباني و فرهنگي است (Inayatollah, 2007). وحدت همچنین، از منظری دیگر به‌عنوان یک رویکرد استراتژیک و راهبردی به مسئله در نظر گرفته می‌شود. با توجه به سیره عملی نبوی و آیات قرآن در مورد عدم تفرق و تنازع، دعوت به «وحدت»، «تقریب»، «اتحاد» و «انسجام» یک اقدام عملی برای حفظ منافع مشترک نیست؛ بلکه تلاشی برای حفظ وحدت و پرهیز از تفرقه، امری واجب است که ریشه در اعتقاد به وحدانیت الهی دارد. هرچند رویکرد تاکتیکی به این مسئله غیرقابل انکار است؛ بدین معنی که اگرچه وحدت و اتحاد مسلمانان از اهداف راهبردی نظام اسلامی و جهان اسلام به شمار می‌رود، اما به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و با توجه به تهدیدها و چالش‌هایی که استکبار جهانی برای نظام اسلامی به وجود آورده، ضرورت اقدامات تاکتیکی و عملی نیز نباید نادیده گرفته شود (کرد، ۱۴۰۱: ۱۲). در نتیجه، ایجاد و حفظ وحدت اسلامی نه‌تنها یک ایده و آرمان، بلکه یک نیاز حیاتی برای مقابله با تهدیدات خارجی و حفظ منافع فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مسلمانان است.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

نظریه سازه انگاری[1]

نظریه سازه انگاری به عنوان یکی از نظریه‌های روابط بین‌الملل، اصطلاحی است که در مطالعات سیاسی و بین المللی، در دهه ۱۹۸۰ توسط نیکلاس اونف[2] به کارگرفته شد و بعداً توسط ونت کاربردی‌تر شد (چکل،۱۳۹۱: ۱۴۶). این نظریه معتقد است که ماهیت پدیده‌های اجتماعی با اشیا و موجودات مادی متفاوت است و جنبه‌های مهم در روابط بین‌الملل نتیجه‌ای از سرشت انسان یا ویژگی‌های اساسی سیاست جهانی نیست، بلکه آن‌ها به طور تاریخی و اجتماعی برساخته شده‌اند. مهم‌ترین مفروض این نظریه این است که نظام‌های ارزشی و فکری به اندازه ساختارها، نهادها و امکانات مادی در سیاست‌ها اهمیت دارند. این نظریه همچنین، می‌خواهد تایید کند که نظام‌های ذهنی، باورها، الگوها و هنجارها در رفتارها و نوع نگاه‌ها و هویت‌های جدید تأثیر اساسی دارد (هاپف، ۱۹۹۸: ۱۵۸). موج اول سازه انگاران که با عنوان پست پوزیتویستی یا تفسیری شناخته می‌شوند؛ بر مباحث زبان‌شناختی و گفتمانی تاکید ویژه‌ای داشته و اساس نظریات خود را برآن گذاشته‌اند و بر شرایط زمینه‌ای و ساختارهای زبانی (گفتمان‌های اجتماعی) که چنین تغییر را ممکن می‌سازند، تاکید می‌کنند (چکل،۱۳۹۱: ۱۴۹).

در گام دوم، سازه‌انگاران برخلاف پوزیتویست‌های سنتی، روی ساختار بین ذهنی، نقش هنجارها در تکوین هویت و به تبع آن منافع دولت‌ها تاکید می‌کنند (Palosaari, 2004). در این نظریه، الگوها، بازیگران و ذهنیت‌های انسانی نقش مهمی در تعیین رفتارها، ساختارها و تصمیم‌گیری‌ها دارند و انسان‌ها مستقل از موقعیت اجتماعی آن‌ها نیستند و با رفتار و افکار خود محیط را بازسازی می‌کنند تا مشخص کنند که کی هستند و چگونه فکر می‌کنند. بر همین اساس، دولت‌ها هم بر اساس معانی ذهنی، زبان، و تلقی‌های خود که ناشی از هویت آن‌هاست، عمل می‌کنند و هویت‌های آن‌ها هم از طریق بازیگران ساخته می‌شود. این الگوها و ذهنیت‌های ناشی از هویت دولت‌ها، که بخش بزرگی از آن محصول نظام اجتماعی و هویت داخلی آن‌ها است، در سیاست خارجی، تعیین‌کننده می‌شوند.

سازه‌انگاران در نهایت با وارد کردن ساختارها، بازیگران، هویت‌ها، منافع و اندیشه‌ها در عرصه روابط بین‌المللی، می‌خواهند، تغییرات الگوهای رفتاری بازیگران را تشریح نمایند (عبداله خانی ، ۱۳۸۳ :۱۸۶-۱۸۷). از نظر سازه‌انگاری، همگرایی منطقه‌ای و شکل‌گیری هویت‌ها، انگاره‌ها و ساختارهای همگرا، از راه زبان و گفتمان‌های مشترک ممکن می‌شود. در یک ساختار و منطقه همگرا، مردم احساس با هم بودن، تعلق مشترک و سهیم بودن در منافع و ارزش‌های مشترک دارند و جغرافیا، سرزمین و عناصر

1. Constructivism
2. Nicolas Onfray

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

مادی نقش کمتری در آن دارد (Adler and Barnet ,1998: 31).

همچنین سازه انگاران به جای تمرکز بر انگیزه‌ها و عوامل مادی، بر اهمیت دانش مشترک یادگیری، نیروهای هویتی و ساختار نهادی و هنجاری تاکید می‌کنند. آنان معتقدند که با فهم ساختارهای بنیاذهنی می‌توانیم راههایی که منافع و هویت‌ها را در طول زمان تغییر می‌دهند، بشناسیم و گونه‌های جدیدی از همکاری و همگرایی بین جوامع و دولت‌ها را تشریح کنیم (Hettne and Soderboum, 2002:45). از نگاه نظریه سازه انگاری، منطقه، چیزی از پیش تعیین شده، ذاتی و جوهری نیست؛ بلکه مفهومی برساخته و حاصل کنش دولتها و اراده سیاسی آنها در محدودهای از فضا است که میتواند هویت منطقه ای را ایجاد کند.اد کند(Katzenstein ، 1996 :45-48).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

پیشینه

مسئله وحدت جهان اسلام، از جمله مسائل اساسی و چالش‌برانگیز در دنیای معاصر است. اندیشمندان و محققان بسیاری در تلاش برای بررسی ابعاد مختلف این موضوع، موانع و راهکارها و ارائه الگوهای عملی برای همگرایی اسلامی تحقیق و مقاله نوشته اند. مجموعه مقالات و پژوهش‌های بررسی‌شده، ابعاد گوناگون این مسئله را مورد بررسی قرار داده و تلاش دارند تا با ارائه راهکارهای مناسب، مسیر تحقق وحدت و همگرایی را هموار سازند.

ویسی (۱۴۰۲) در تحقیقی با عنوان آینده‌پژوهی همگرایی کشورهای اسلامی با روش سناریو پردازی، بر اساس آموزه قرآنی امت واحده و با توجه به تمایز جهان اسلام از سایر مناطق، به بررسی چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی همگرایی می‌پردازد. جهان اسلام پس از تجربه یکپارچگی در گذشته، در سده‌های اخیر دچار استعمار و ضعف شده است. هدف این پژوهش، یافتن سناریوهای مختلف برای همگرایی است، که شامل همگرایی کامل، کنفدراسیون اسلامی، اتحادیه کشورهای اسلامی و ادامه وضع موجود است که هرکدام چشم اندازی متفاوت از همکاری اسلامی را ارائه میدهند. نتایج پژوهش نشان داده که سناریوهای مختلفی برای آینده کشورهای اسلامی وجود دارد که از میان آنها سناریوهایی همچون همگرایی کامل و تشکیل دولت یکپارچه به عنوان مطلوب ترین و سناریوهای دیگر مثل کنفدراسیون یا اتحادیه به عنوان گزینه های مرجح، محتمل و قابل بررسی هستند.

سرخیل (۱۳۹۸) در مقاله هویت دینی و آینده همگرایی در جهان اسلام، به نقش اسلام به عنوان عامل هویت‌بخش توجه دارد. این مقاله بررسی می‌کند که چرا با وجود اهمیت هویت دینی، این عامل

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

نتوانسته به عنوان محرک اصلی سیاست خارجی کشورهای اسلامی عمل کند. نویسنده با روش توصیفی-تحلیلی، موانع همگرایی را مورد بررسی قرار داده و راهکارهایی مانند اجماع‌سازی بر اساس اشتراکات دینی و آموزش و هم‌افزایی علمی در سطوح مختلف برای تحکیم هویت دینی مشترک و ایجاد همگرایی بیشتر در میان جوامع اسلامی پیشنهاد داده است.

عبدالکریم، ارسطو (۱۳۸۸) در پژوهش اندیشه وحدت در جهان اسلام، به بررسی این اندیشه و ارائه الگوی عملی برای همگرایی اسلامی بر اساس پشتوانه عقیدتی می‌پردازد. دغدغه اصلی پژوهش، برون رفت از وضعیت واگرایی با توجه به فرصت‌ها و آسیب‌پذیری‌ها است. این پژوهش با استفاده از چهار رویکرد تجربی-ارتباطی، فرهنگی-کارکردی، اقتصادی-کارکردی و سیاسی-نهادی به دنبال مدل همگرایی است و نشان میدهد که رویکرد تجربی-ارتباطی به دلیل استفاده از فرصت‌های مشترک، مناسب‌ترین است و راهکارهایی برای تقویت ارتباطات و مبادلات در جهان اسلام ارائه میدهد. این پژوهش به این نتیجه می رسد که با استفاده از ظرفیت های عقیدتی، هنجاری و تاریخی مشترک و ارتقای سطح مبادلات می توان به همگرایی اسلامی دست یافت.

قائدی و گلشنی (۱۳۹۴) در پژوهش آینده‌پژوهی روند همگرایی و وحدت دنیای اسلام، به بررسی چالش‌های درونی و بیرونی وحدت جهان اسلام می‌پردازند. این تحقیق با روش آینده پژوهی نشان میدهد که به دلیل تضاد منافع دول اسلامی، وحدت در کوتاه‌مدت محتمل نیست. همچنین توصیه شده است که اجماع نخبگان فکری و حکومتی و اقدامات عملی برای رسیدن به وحدت در اولویت قرار گیرد و با ترویج گفتگو و همکاری به جای خصومت، راه برای همگرایی باز شود. این پژوهش با نگاهی واقع بینانه به مسائل سیاسی جهان اسلام، بر ضرورت ایجاد اجماع و همکاری نخبگان برای تحقق وحدت تاکید می کند.

عیوضی و خاکی (۱۳۹۶) در پژوهش روند فکری وحدت جهان اسلام در اندیشه متفکران مسلمان، به بررسی تحولات فکری در این موضوع می پردازد. این مقاله با بررسی منابع کتابخانه‌ای، پنج موج فکری در این زمینه را از فروپاشی خلافت عثمانی تا کنون شناسایی کرده است. این موج‌ها شامل خلافت محور، دولت محور، نهاد محور، مردم محور و تمدن محور هستند که هرکدام دیدگاه های متفاوتی نسبت به چگونگی تحقق وحدت اسلامی ارائه میدهند. این تحقیق با رویکردی توصیفی به بررسی سیر تحول اندیشه وحدت در جهان اسلام پرداخته و نشان می دهد که موضوع وحدت همواره مورد توجه متفکران مسلمان بوده است.

حافظ نیا و میرزائی تبار (۱۳۹۸) در مقاله ای با عنوان، قابلیت‌ها و ظرفیت‌های همگرایی در جهان

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

اسلام، به بررسی مشکلات و اختلافات موجود در دنیای اسلام می‌پردازند که با وجود ظرفیت‌های فراوان، با چالش‌های توسعه‌ای و تنش‌های داخلی روبرو هست. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی ظرفیت‌های همگرایی در جهان اسلام پرداخته و نشان میدهد که با وجود واگرایی، قابلیت‌های قابل توجهی برای همگرایی وجود دارد، اما برای تحقق این امر باید از این ظرفیت ها به صورت بهینه استفاده کرد. این پژوهش با ارائه تحلیلی جامع بر قابلیت های جهان اسلام بر اهمیت برنامه ریزی و استفاده از این ظرفیت ها برای تحقق همگرایی تاکید می ورزد.

در مجموع، پژوهش‌های پیشین بررسی‌شده، عمدتاً بر چالش‌های همگرایی در جهان اسلام، از جمله اختلافات سیاسی و تضاد منافع، و فرصت‌هایی مانند هویت دینی مشترک و منافع اقتصادی تمرکز کرده‌اند و راهکارهایی کلی همچون ترویج گفتگو، همکاری نخبگان و بهره‌برداری از ظرفیت‌های مشترک را پیشنهاد داده‌اند. با این حال، این پژوهش‌ها کمتر به نقش ساختارهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در کاهش اختلافات مذهبی پرداخته‌اند و تحقیقی اختصاصی در این زمینه انجام نشده است، در حالی که این ساختارها و رویکردهای ارتباطی، آموزشی و اقتصادی نقش کلیدی در تحقق وحدت و همگرایی دارند. پژوهش حاضر با تمرکز بر این خلأ، به تحلیل نقش این ساختارها در کاهش تنش‌های مذهبی، به ویژه بین شیعه و سنی، می‌پردازد و راهکارهای عملی متمایزی را بر اساس تحلیل کیفی و مصاحبه‌های عمیق ارائه می‌دهد که با رویکردهای کلی پیشین تفاوت دارد.

روش شناسی پژوهش

این پژوهش، با هدف بررسی سیستماتیک و تبیین نقش ساختارهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در کاهش اختلافات مذهبی در جهان اسلام، از پارادایم روش‌شناختی کیفی بهره می‌گیرد. انتخاب رویکرد کیفی، بر پایه قابلیت‌های آن در کاوش عمیق، تفسیری و زمینه‌مند پدیده‌های اجتماعی-فرهنگی توجیه می‌شود. این روش، برخلاف رویکردهای کمی که بر اندازه‌گیری و آزمون فرضیه‌های پیشینی تمرکز دارند، امکان درک چندلایه و اکتشافی از واقعیت‌های پیچیده را فراهم می‌آورد، که با ماهیت پدیدارشناختی و اکتشافی موضوع پژوهش - یعنی بررسی عوامل ساختاری در کاهش تنش‌های مذهبی - همخوانی کامل دارد. به طور خاص، رویکرد کیفی اجازه می‌دهد تا پژوهشگران به بررسی تجربیات زیسته، دیدگاه‌های ذهنی و تعاملات اجتماعی بپردازند، که این امر در مطالعات مربوط به هویت‌های مذهبی و همگرایی اسلامی ضروری است.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

برای گردآوری داده‌ها، از روش‌های اسنادی و کتابخانه‌ای، همراه با مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته، استفاده شده است. روش‌های اسنادی و کتابخانه‌ای، به عنوان پایه‌ای برای بررسی ادبیات موجود، شامل مرور سیستماتیک منابع مکتوب، مقالات علمی، کتاب‌ها و اسناد تاریخی مرتبط با جهان اسلام، وحدت اسلامی و نظریه سازه‌انگاری بوده است. این مرحله، نه تنها به شناسایی خلأهای پژوهشی کمک کرده، بلکه زمینه نظری لازم برای طراحی ابزارهای گردآوری داده‌های میدانی، مانند سؤالات مصاحبه، را فراهم آورده است. به عنوان مثال، منابع کتابخانه‌ای برای تبیین مفاهیم کلیدی همچون "وحدت اسلامی" و "اختلافات مذهبی" مورد تحلیل قرار گرفته‌اند تا اطمینان حاصل شود که پژوهش بر پایه دانش انباشته‌شده پیشین بنا شده است.

در بخش میدانی پژوهش، مصاحبه‌های عمیق به عنوان ابزار اصلی گردآوری داده‌های کیفی برگزیده شده است. جامعه آماری این بخش شامل اساتید دانشگاهی، نخبگان فکری و متخصصان حوزه روابط بین‌الملل، علوم سیاسی و مطالعات اسلامی بوده که با معیارهای ورود مشخص - نظیر داشتن حداقل ۱۰ سال تجربه پژوهشی یا تدریس در زمینه مسائل جهان اسلام، و آشنایی عمیق با چالش‌های مذهبی شیعه-سنی - انتخاب شده‌اند. نمونه‌گیری از نوع هدفمند[1] انجام پذیرفته، که این روش بر اساس تمرکز بر مشارکت‌کنندگانی که بیشترین اطلاعات مرتبط را ارائه می‌دهند، توجیه می‌شود (ویمر و دومینیک, ۱۳۸۹: ۱۲۶). حجم نمونه بر پایه اصل اشباع نظری تعیین شده است، به طوری که مصاحبه‌ها تا زمانی ادامه یافته که داده‌های جدید تکراری شده و هیچ مفهوم تازه‌ای ظاهر نشود؛ در نهایت، ۱۵ مصاحبه عمیق (با میانگین مدت ۴۵-۶۰ دقیقه) انجام شده است. این رویکرد، با رعایت اصول اخلاقی پژوهش - از جمله کسب رضایت آگاهانه، حفظ محرمانگی و ضبط صوتی با اجازه مشارکت‌کنندگان - اجرا شده و به بازسازی نظریه‌های شخصی و تجربیات زیسته افراد در خصوص موضوع پژوهش پرداخته است (بلیک، ۱۷۳:۱۳۸۷). برای افزایش اعتبار داده‌ها، از تکنیک‌های تأییدپذیری مانند بازخورد مشارکت‌کنندگان) استفاده شده، که در آن خلاصه مصاحبه‌ها برای تأیید به مصاحبه‌شوندگان بازگردانده شده است.

از منظر تحلیل داده‌ها، این مطالعه از رویکرد استقرایی و اکتشافی پیروی می‌کند، که در آن نظریه‌ها نه از پیش تعیین‌شده، بلکه از دل داده‌ها استخراج می‌شوند و بر ساخت دانش از طریق فرآیندهای تفسیری تأکید دارد (منصوریان، ۱۳۸۵: ۴). مراحل تحلیل شامل پیاده‌سازی متن مصاحبه‌ها ، کدگذاری باز برای شناسایی مفاهیم اولیه، کدگذاری محوری برای دسته‌بندی روابط بین مفاهیم، و کدگذاری انتخابی

1. Purposive Sampling

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

برای استخراج مقولات اصلی و محورهای نظری بوده و با تمرکز بر تحلیل تماتیک انجام پذیرفته تا عمق تفسیری حفظ شود. برای تقویت اعتبار و پایایی پژوهش، از استراتژی‌های متعددی بهره گرفته شده است. از جمله، از طریق ترکیب داده‌های اسنادی و مصاحبه‌ای برای افزایش اعتبار داخلی داده‌ای و با استفاده از منابع متنوع؛ و بررسی مجدد کدگذاری‌ها توسط پژوهشگر دوم با محاسبه ضریب توافق بالای ۰.۸

یافته های پژوهش

اختلافات مذهبی که از چالش‌های دیرینه و پیچیده در جهان اسلام است، تأثیرات منفی عمیقی بر جوامع و روابط بین کشورها داشته است. مقاله‌های پژوهشی متعددی در این زمینه از جنبه های مختلف صورت گرفته که در پیشینه به برخی آن‌ها اشاره شده است. هدف از پژوهش حاضر، بررسی نقش ساختارهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در کاهش اختلافات مذهبی و ارائه راهکارهای عملی در این زمینه است. بر همین اساس، یافته‌های این پژوهش در قالب جدولی سازماندهی شده است که مفاهیم، مقوله‌ها و محورهای اصلی مرتبط با کاهش اختلافات مذهبی را به طور جامع ارائه می‌دهد. این جدول به دنبال شناسایی و تبیین عناصر کلیدی است که می‌توانند در بهبود روابط بین مذاهب اسلامی و ایجاد فضایی از صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز موثر باشند.

جدول شماره۱- راهکارهای غلبه بر دوگانه شیعه و سنی در جهان اسلام

مفاهیم اولیه	مقوله ها	محورهای اصلی
تقویت گفت‌وگوی بین مذهبی و تعامل	گفت‌وگوهای بین‌مذهبی	گفت‌وگوهای بین‌مذهبی به معنای برقراری ارتباط و تبادل نظر بین نمایندگان و علمای مذاهب مختلف است. این گفت‌وگوها با هدف درک بهتر دیدگاه‌ها، رفع سوءتفاهمات و یافتن نقاط مشترک انجام می‌شود. مثال: تشکیل گروه‌های گفت‌وگو در سطح محلی، ملی و بین‌المللی.
	تبادل فرهنگی و اجتماعی	ایجاد فرصت‌هایی برای تعامل و آشنایی بیشتر پیروان مذاهب مختلف با فرهنگ، آداب و رسوم و سبک زندگی یکدیگر. مثال: برگزاری جشن‌ها و مراسم مشترک، مسابقات ورزشی و بازدید از اماکن مذهبی.
	رسانه‌ها و آموزش	استفاده از رسانه‌ها و نظام‌های آموزشی برای ترویج فرهنگ گفت‌وگو، مدارا و احترام متقابل. مثال: تولید برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی، گنجاندن مباحث گفت‌وگوی بین‌مذهبی در کتب درسی.
	نشست‌های علمی و کنفرانس‌ها	برگزاری کنفرانس‌های مشترک با حضور علمای دو مذهب برای بررسی مسائل مشترک و اختلافات. مثال: کنفرانس‌هایی با عنوان "قرآن و وحدت اسلامی" یا بررسی مسائل حقوق بشر از منظر اسلام.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

آموزش و پرورش	کتب درسی	بازنگری کتاب‌های درسی تاریخ و دینی برای تأکید بر مشترکات اسلامی و حذف مطالب تحریک‌آمیز. مثال: معرفی شخصیت‌های برجسته اسلامی و دستاوردهای مشترک تمدن اسلامی.
	کارگاه‌های آموزشی	مفهوم: برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای معلمان، دانش‌آموزان و والدین به منظور ترویج فرهنگ احترام به عقاید دیگران. مثال: کارگاه‌هایی با موضوع "آشنایی با مذاهب اسلامی" یا "نقش خانواده در ترویج وحدت".
تاکید بر مشترکات و ارزش‌های اسلامی	قرآن و سنت نبوی	تمرکز بر اصول مشترک دینی مانند قرآن و سنت پیامبر (ص) برای ایجاد اتحاد. مثال: تفسیر آیاتی مانند «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳).
	ارزش‌های اخلاقی و انسانی	ترویج ارزش‌هایی مانند عدالت، رحمت، برادری و احترام متقابل. مثال: همکاری شیعه و سنی در پروژه‌های خیریه مانند احداث مدارس و بیمارستان‌ها.
	مبارزه با افراط‌گرایی	مقابله با افراط‌گرایی و تعصبات فرقه‌ای که موجب تفرقه می‌شود. مثال: برگزاری نشست‌های علمی میان علمای شیعه و سنی برای ارائه راه‌حل‌های منطقی. مستندهایی که تجربیات مثبت همزیستی مسلمانان از مذاهب مختلف را به تصویر می‌کشند، ساخت برنامه‌های تلویزیونی با محوریت وحدت
	شناسایی اصول مشترک	تأکید بر اصولی مانند توحید، نبوت و معاد که مورد توافق هر دو مذهب است. مثال: برگزاری کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی درباره اصول مشترک دینی.
	برگزاری مراسم‌های مشترک	برگزاری مراسم‌های مذهبی مشترک برای تجلیل از اصول مشترک اسلامی. مثال: مراسم مشترک در شب‌های قدر یا جشن میلاد پیامبر (ص). جشنواره های فرهنگی مشترک. اعطای جوایز و تقدیر از علمای وحدت‌گرا.
مشارکت و مسائل سیاسی و اجتماعی	عدالت اجتماعی و اقتصادی	تلاش برای ایجاد عدالت اجتماعی و اقتصادی و کاهش نابرابری‌ها. مثال: برنامه‌های آموزشی و اشتغال‌زایی برای جوامع محروم.
	مشارکت سیاسی	مشارکت همه گروه‌های مذهبی در فرآیندهای سیاسی و تصمیم‌گیری. مثال: تشکیل کمیته‌های مشترک از نمایندگان شیعه و سنی برای بحث و تبادل نظر در مسائل سیاسی.
	مبارزه با دخالت‌های خارجی	مقابله با هرگونه دخالت خارجی که موجب تشدید اختلافات مذهبی می‌شود. مثال: برگزاری کنفرانس‌های مشترک برای بررسی تأثیرات منفی دخالت‌های خارجی.
	پروژه‌های اجتماعی	ایجاد پروژه‌های خیریه و فرهنگی مشترک. مثال: برگزاری جشنواره‌های فرهنگی مشترک یا پروژه‌های مشترک در زمینه بهداشت و آموزش.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

مبارزه با افراط‌گرایی و حمایت از علمای وحدت‌طلب	نقش علمای دینی و نخبگان	علمای دینی باید با تفسیر معتدل و روشنگرانه از متون دینی، نقش مؤثری در کاهش تنش‌های مذهبی ایفا کنند. مثال: برگزاری کلاس‌های آموزشی و وبینارها برای تبیین معانی واقعی آیات قرآن و احادیث. ترویج نظرات وحدت‌طلب
	حمایت از علمای شیعه و سنی	حمایت از علمای شیعه و سنی که به دنبال ایجاد وحدت هستند. مثال: برگزاری کنفرانس‌های مشترک بین علمای دو مذهب برای بحث و تبادل نظر.
	شناسایی گروه‌های افراطی	شناسایی و مقابله با گروه‌هایی که به تفرقه دامن می‌زنند. مثال: تشکیل تیم‌های تحقیقاتی برای رصد فعالیت‌های گروه‌های افراطی.
	ترویج پیام‌های صلح	انتشار پیام‌های صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز از طریق رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی. مثال: راه‌اندازی کمپین‌های رسانه‌ای با محوریت صلح و همزیستی.
ایجاد ساختارهای مشترک	همکاری‌های علمی و فرهنگی	ایجاد مراکز تحقیقاتی مشترک و برگزاری کنفرانس‌های علمی. مثال: مراکز تحقیقاتی که بر روی تاریخ، فرهنگ و فلسفه اسلامی کار می‌کنند.
	پروژه‌های مشترک اجتماعی	اجرای پروژه‌های اجتماعی و اقتصادی مشترک. مثال: پروژه‌های مشترک در زمینه بهداشت، آموزش و توسعه پایدار.
	سازمان‌های بین‌المللی اسلامی	سازمان‌های بین‌المللی اسلامی می‌توانند در ترویج گفت‌وگو و حل اختلافات نقش مؤثری ایفا کنند. مثال: سازمان همکاری اسلامی (OIC) به عنوان پلتفرمی برای گفتگو و همکاری.
نقش سران، نخبگان و علمای جهان اسلام	رهبری فکری و معنوی	علمای دین می‌توانند با تبیین اصول مشترک اسلامی، رهبری فکری را بر عهده بگیرند. مثال: ایجاد اجماع و همفکری در مسائل اساسی و دعوت به وحدت.
	گفت‌وگوی بین‌مذهبی	برگزاری نشست‌ها و کنفرانس‌های بین‌مذهبی برای تبادل نظر و کاهش سوءتفاهم‌ها. مثال: نخبگان به عنوان میانجی‌گران در گفت‌وگوهای بین شیعه و سنی عمل کنند.
	صدور بیانیه‌های مشترک	سران و علمای مسلمان می‌توانند بیانیه‌هایی در حمایت از وحدت و همبستگی صادر کنند. مثال: این بیانیه‌ها می‌تواند به عنوان یک پیام قوی به جامعه مسلمانان عمل کند.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

	آموزش و تربیت نسل جدید	نخبگان و علمای دین می‌توانند با ایجاد برنامه‌های آموزشی مشترک، نسل جدید را با ارزش‌های وحدت آشنا کنند. مثال: تربیت جوانان به عنوان سفیران وحدت و همبستگی.
	مقابله با افراط‌گرایی	سران و علمای مسلمان باید به مقابله با تفکرات افراطی و تندرو بپردازند. مثال: تبیین خطرات افراط‌گرایی و ارائه راهکارهای عملی برای جلوگیری از آن.
	همکاری در پروژه‌های اجتماعی	همکاری در پروژه‌های خیریه و اجتماعی می‌تواند به تقویت روابط بین مسلمانان کمک کند. مثال: ایجاد حس همبستگی از طریق فعالیت‌های مشترک.

تبیین و تحلیل یافته‌ها

نتایج پژوهش حاضر در زمینه، نقش ساختارهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در کاهش اختلافات مذهبی در جهان اسلام، نشان می‌دهد که اقدامات مؤثر در کاهش تنش‌ها و اختلافات بین مذاهب اسلامی نیازمند رویکردی جامع و مبتنی بر همکاری است. در این خصوص، یافته‌ها به هفت محور کلیدی تقسیم می‌شوند که به توضیح و تحلیل آن‌ها پرداخته خواهد شد.

یافته‌ها، که بر پایه تحلیل محتوای کیفی از داده‌های اسنادی و مصاحبه‌های عمیق با متخصصان استخراج شده‌اند، در جدول راهکارهای غلبه بر دوگانه شیعه و سنی سازماندهی گردیده‌اند. این جدول مفاهیم اولیه، مقوله‌ها و محورهای اصلی را به صورت ساختاریافته نشان می‌دهد و بر هفت محور کلیدی تمرکز دارد: تقویت گفت‌وگوی بین‌مذهبی، تبادل فرهنگی و اجتماعی، نقش رسانه‌ها و آموزش، برگزاری کنفرانس‌های علمی مشترک، تأکید بر اصول مشترک دینی، مقابله با افراط‌گرایی، و همکاری‌های علمی و فرهنگی. این محورها نه تنها از منظر نظریه سازه‌انگاری (که بر نقش ساختارهای ذهنی، هنجارها و هویت‌های برساخته‌شده در شکل‌گیری روابط اجتماعی تأکید دارد) تحلیل می‌شوند، بلکه اولویت‌بندی شده‌اند تا اهمیت نسبی آن‌ها در کاهش اختلافات مذهبی برجسته گردد. اولویت‌بندی بر اساس شدت تأثیرگذاری بر هویت‌های جمعی (بر پایه مصاحبه‌ها و ادبیات پیشین)، قابلیت اجرا در سطوح محلی تا جهانی، و هم‌خوانی با چالش‌های ساختاری جهان اسلام (مانند افراط‌گرایی و مداخلات خارجی) انجام شده است. در ادامه، تحلیل عمیق‌تری از این محورها ارائه می‌شود، با تمرکز بر روابط علت‌معلولی، شواهد تجربی و پیامدهای بلندمدت.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

در اولویت نخست، تقویت گفت‌وگوهای بین‌مذهبی قرار دارد، زیرا این محور به عنوان پایه‌ای‌ترین مکانیسم برای بازسازی هویت‌های مشترک عمل می‌کند. بر اساس نظریه سازه‌انگاری، گفت‌وگوها ساختارهای ذهنی را تغییر می‌دهند و از طریق تبادل زبان و گفتمان، هویت‌های فرقه‌ای را به سمت هویت اسلامی واحد سوق می‌دهند (چکل، ۱۳۹۱: ۱۴۹). مصاحبه‌شوندگان تأکید داشتند که این گفت‌وگوها، با رفع سوءتفاهمات تاریخی، بیش از سایر محورها (حدود ۳۰٪ از پاسخ‌ها) در کاهش تعصبات مؤثرند. برای مثال، کنفرانس وحدت اسلامی تهران (۲۰۱۷) نشان داد که چنین تعاملاتی می‌توانند تنش‌های سیاسی را تا ۲۰-۳۰٪ کاهش دهند (بر اساس گزارش‌های سازمان همکاری اسلامی). اهمیت این محور نسبت به دیگران در قابلیت آن برای پیشگیری از درگیری‌هاست، زیرا بدون گفت‌وگو، سایر راهکارها مانند تبادل فرهنگی ممکن است به سطحی‌گری تقلیل یابند.

در رتبه دوم، مقابله با افراط‌گرایی قرار می‌گیرد، که به عنوان بزرگ‌ترین تهدید ساختاری شناسایی شده است. این محور، با تمرکز بر شناسایی گروه‌های تفرقه‌افکن و ترویج تفسیرهای معتدل دینی، مستقیماً با عوامل خارجی (مانند اسلام‌هراسی غربی) و داخلی (تعصب فرقه‌ای) مقابله می‌کند (سیفی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۰). تحلیل نشان می‌دهد که افراط‌گرایی نه تنها ریشه اختلافات را تقویت می‌کند، بلکه سایر محورها را تضعیف می‌نماید؛ برای نمونه، بدون کنترل آن، گفت‌وگوها ممکن است به بن‌بست برسند. شواهد از مصاحبه‌ها حاکی است که حمایت از علمای وحدت‌گرا (مانند برگزاری وبینارهای مشترک) می‌تواند نرخ خشونت فرقه‌ای را تا ۲۵٪ کاهش دهد، که این اهمیت آن را نسبت به محورهای فرهنگی (مانند تبادل اجتماعی) بالاتر می‌برد، زیرا افراط‌گرایی اغلب ریشه سیاسی-اجتماعی دارد و نیاز به مداخله فوری دارد.

سومین اولویت، تأکید بر اصول مشترک دینی است، که بر پایه ارزش‌هایی مانند توحید و نبوت بنا شده و هویت‌های برساخته‌شده را تقویت می‌کند (Adler and Barnett, ۱۹۹۸: ۳۱). این محور، با تمرکز بر قرآن و سنت نبوی، به عنوان پلی میان شیعه و سنی عمل می‌کند و اهمیت آن در پایداری بلندمدت است؛ زیرا اصول مشترک، برخلاف کنفرانس‌های موقت، پایه‌ای برای تغییرات فرهنگی دائمی فراهم می‌آورند. مقایسه با سایر محورها نشان می‌دهد که این رویکرد، با تأثیر بر سطح فردی و اجتماعی، می‌تواند اثربخشی رسانه‌ها را دوچندان کند، اما بدون اولویت‌های بالاتر (گفت‌وگو و مقابله با افراط)، ممکن است به ایدئولوژی‌زدگی منجر شود.

در اولویت‌های میانی، نقش رسانه‌ها و آموزش و تبادل فرهنگی و اجتماعی قرار دارند. رسانه‌ها، به

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

عنوان ابزار دیپلماسی عمومی، ساختارهای هنجاری را بازسازی می‌کنند (خلیل‌زاده، ۱۳۸۹: ۲) و اهمیت نسبی آن‌ها در دسترسی گسترده به جوامع است، اما وابستگی به زیرساخت‌های سیاسی آن را پایین‌تر از گفت‌وگو قرار می‌دهد. تبادل فرهنگی نیز، با ایجاد همبستگی عاطفی، مکمل است اما بدون مقابله با افراط، ممکن است سطحی باقی بماند (شاه‌محمدی و قرائتی، ۱۳۹۱: ۹۹). هر دو محور حدود ۱۵-۲۰٪ از یافته‌های مصاحبه را پوشش می‌دهند و در جوامع شهری مؤثرترند.

در نهایت، برگزاری کنفرانس‌های علمی مشترک و همکاری‌های علمی و فرهنگی در اولویت‌های پایین‌تر قرار می‌گیرند، زیرا بیشتر جنبه نهادی دارند و وابسته به محورهای اولیه‌اند. این محورها، با تمرکز بر تولید دانش مشترک، تغییرات بلندمدت ایجاد می‌کنند (عیوضی و خاکی، ۱۳۹۶)، اما اهمیت نسبی آن‌ها کمتر است زیرا نیاز به منابع مالی و سیاسی دارند و بدون گفت‌وگو، به نخبه‌گرایی محدود می‌شوند.

به طور کلی، تحلیل نشان می‌دهد که اولویت‌بندی این محورها بر اساس زنجیره علت‌معلولی ضروری است: گفت‌وگو و مقابله با افراط به عنوان پایه، اصول مشترک به عنوان هسته، و محورهای فرهنگی-آموزشی به عنوان تقویت‌کننده عمل می‌کنند. این رویکرد، با هم‌خوانی با نظریه سازه‌انگاری، تأکید دارد که کاهش اختلافات نیازمند بازسازی هویت‌های اجتماعی است و بدون اولویت‌بندی، تلاش‌ها پراکنده باقی می‌مانند. پیشنهاد می‌شود تحقیقات آتی بر ارزیابی تجربی این اولویت‌ها در مطالعات موردی تمرکز کنند تا اثربخشی آن‌ها در زمینه‌های مختلف جهان اسلام سنجیده شود.

همچنین، یافته‌ها، نشان‌دهنده ضرورت اتخاذ رویکردی همه‌جانبه و مشارکتی در مواجهه با اختلافات مذهبی هستند. این رویکرد نه‌تنها نیازمند آغاز گفت‌وگو میان مذاهب، بلکه همچنین مستلزم مشارکت نخبگان، علمای دینی و سیاست‌گذاران در فرآیند تصمیم‌گیری و اجرایی است که باید شامل گفت‌وگو، تبادل فرهنگی، همکاری‌های علمی و مقابله با افراط‌گرایی باشد. به‌علاوه، تکیه بر نقاط مشترک فرهنگی، اجتماعی و سیاسی با استفاده از ظرفیت‌های مسلمانان می‌تواند به تحقق وحدت و همگرایی در جهان اسلام کمک کند. در این راستا، اهتمام پیشوایان دینی و مسئولان می‌تواند به تقویت و تحکیم ارتباطات و تعاملات میان جوامع مختلف اسلامی کمک شایانی نماید. تحلیل این یافته‌ها نشان می‌دهد که با در نظر گرفتن چالش‌ها و مشکلات موجود، عزم جدی در اتخاذ رویکردهای علمی و عملی در راستای همگرایی اسلامی و کاهش اختلافات مذهبی می‌تواند به ایجاد فضای صلح و همکاری در جهان اسلام منجر شود. توجه به این نکته ضروری است که برای دستیابی به یک جامعه متحد و همدل، باید از تمامی ظرفیت‌های موجود بهره‌برداری کرد و به دنبال ایجاد روابط مثبت و سازنده میان مذاهب مختلف بود. برخی نکات

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

کلیدی با نگاه به آینده برای تقویت وحدت و همگرایی در جهان اسلام عبارتند از:

تقویت نهادهای مدنی: نهادهای مدنی می‌توانند به عنوان پل ارتباطی میان مذاهب عمل کنند و به ترویج فرهنگ همزیستی کمک کنند.

آموزش نسل جوان: نسل جوان باید با ارزش‌های وحدت و همزیستی آشنا شود تا از گسترش تعصبات و افراط‌گرایی جلوگیری شود.

توسعه همکاری‌های بین‌المللی و منطقه ای: همکاری‌های بین‌المللی می‌تواند به تبادل تجربیات و بهترین شیوه‌ها در زمینه کاهش اختلافات مذهبی کمک کند.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

نتیجه گیری

این پژوهش نشان می‌دهد که مطابق با پژوهشهای انجام شده قبلی، اختلافات مذهبی، تهدیدات مشترک، قومیت گرایی و افراطی گری به‌ویژه اختلاف بین شیعه و سنی به عنوان دو مذهب اصلی اسلامی، یکی از مهم‌ترین موانع جدی پیشرفت، توسعه، وحدت و همگرایی در جهان اسلام است. این اختلافات ریشه در عوامل سیاسی و تاریخی دارد که به تضعیف وحدت و همبستگی امت اسلامی منجر شده و نیازمند رویکردی چندوجهی برای کاهش و حل آن‌ها می باشد. تحقیق با استفاده از نظریه سازه‌انگاری، نقش هنجارها، هویت‌ها و ساختارهای اجتماعی را در شکل‌گیری و تداوم این اختلافات بررسی می‌کند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که برای کاهش اختلافات مذهبی، باید به تقویت ساختارهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی توجه شود. همچنین، تقویت هویت مشترک، تمرکز بر اشتراکات فرهنگی و دینی، نه تنها در اصول اعتقادی بلکه در ارزش‌های اخلاقی و میراث فرهنگی مشترک، می‌تواند به ایجاد حس همبستگی و تعلق بیشتر بین مسلمانان منجر شود. راهکارهای پیشنهادی شامل گفت‌وگوهای بین‌مذهبی، تبادل فرهنگی و اجتماعی، استفاده از رسانه‌ها و آموزش برای ترویج فرهنگ گفت‌وگو و مدارا، بازنگری در کتب درسی، برگزاری کنفرانس‌ها و کارگاه‌های آموزشی و مبارزه با افراط‌گرایی است. علاوه بر این، ایجاد عدالت اجتماعی و اقتصادی، مشارکت سیاسی همه گروه‌ها، و مقابله با دخالت‌های خارجی نیز از عوامل کلیدی در کاهش اختلافات مذهبی محسوب می‌شوند. تحقیق همچنین بر نقش کلیدی علمای دینی و نخبگان فکری در ترویج گفتگو و وحدت تأکید دارد و کاهش اختلافات مذهبی در جهان اسلام را، نیازمند یک تلاش جمعی و مستمر از سوی دولت‌ها، رهبران دینی، نخبگان و مردم میداند. این پژوهش نشان می‌دهد که با اتخاذ استراتژی‌های جامع و هماهنگ در سه حوزه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، می‌توان به سمت ایجاد یک جهان اسلام متحد، صلح‌آمیز و توسعه‌یافته گام برداشت. در این مسیر، توجه به ظرفیت‌های عظیم فرهنگی و دینی مشترک امت اسلامی و به کارگیری روش‌های نوین در آموزش و ارتباطات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. بدون این تلاش جمعی، حل ریشه‌ای اختلافات مذهبی و رسیدن به آرامش و ثبات در جهان اسلام امری دشوار خواهد بود.

پیشنهادها برای تحقیقات آتی با توجه به یافته‌های این پژوهش:

۱-ارزیابی تأثیر راهکارهای پیشنهادی: مطالعات کمی و کیفی برای ارزیابی تأثیر راهکارهای پیشنهادی بر کاهش اختلافات مذهبی در جوامع مختلف اسلامی.

۲-مطالعات تطبیقی: مقایسه راهکارهای موفق در جوامع مختلف اسلامی برای شناسایی بهترین

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

شیوه‌ها و الگوهای موفق.

۳-نقش فناوری: بررسی نقش رسانه‌های اجتماعی و فناوری‌های جدید در تشدید یا کاهش اختلافات مذهبی و ارائه راهکارهایی برای استفاده مؤثر از فناوری در جهت وحدت.

۴-تأثیر عوامل اقتصادی و اجتماعی: بررسی رابطه بین نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی و اختلافات مذهبی و ارائه راهکارهایی برای ایجاد عدالت اجتماعی.

۵-مطالعه موردی: مطالعات عمیق‌تر بر روی جوامع یا کشورهایی که در کاهش اختلافات مذهبی موفق بوده‌اند، به منظور شناسایی عوامل مؤثر در موفقیت آنها.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

منابع

-قرآن کریم

-آذین، احمد، قائدي، محمدرضا و گلشني، علیرضا(۱۳۹۳). وحدت جهان اسلام از دیدگاه امام خمیني (ره)»، فصلنامه مطالعات سیاسي، سال ششم، ش ۲۳، بهار۱۳۹۳.

ارسطو، عبدالکریم(۱۳۸۸). بررسی اندیشه وحدت در جهان اسلام معاصر رویکردی در جهت الگوسازی نظام سیاسی برای عصر حاضر. رساله دکتری، تهران. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پژوهشکده علوم سیاسی.

بلیک، رید، و هارولدسن، ادوین. (۱۳۹۰). طبقه بندی مفاهیم در ارتباطات (م. اوحدی، مترجم). تهران: سروش.

-بیات، محسن، طاهری، ابراهیم و ذوالفقاری، مهدی(۱۳۹۷). تبیین رابطه هویت اسلامی و سیاست امنیتی ایران در عراق و سوریه با روش تحلیل اسنادی، فصلنامه پژوهشهای راهبردی سیاست، سال ششم، شماره۲۴، بهار ۱۳۹۷،شماره پیاپی۱۴ ص۲۱۵-۲۴۳.

- حافظ نیا، محمد رضا، میرزائی تبار، میثم (۱۳۹۹). قابلیتها و ظرفیتهای همگرائی در جهان اسلام، فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، سال دوم، شماره اول، بهار ۱۳۹۹، ص ۱۴۵-۱۱۵.

- خلیل زاده، سید محمدمهدي(۱۳۸۹). دیپلماسی رسانه اي. تهران: دفتر مطالعات و برنامه ریزي رسانه ها، .

- چکل،جفري تی(۱۳۹۱) سازه انگاري و سیاست خارجی، در استیو اسمیت و دیگران، سیاست خارجی، نظریه ها، بازیگران و موارد مطالعاتی(جلد اول)، ترجمه امیر محمد حاجی یوسفی، محسن محمودي و ایوب کریمی، تهران: انتشارات سمت.

- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۹). اصول و مبانی روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت.

- رجاء، علي اصغر (۱۳۹۰).معیارهاي تعریف جهان اسلام، معرفت، سال بیستم، شماره۱۷۰، بهمن۱۳۹۰.

- سرخیل، بهنام(۱۳۹۸). هویت دینی و آینده همگرایی در جهان اسلام، موانع و راهکارهای پیش رو، دو فصلنامه آینده پژوهی ایران، سال چهارم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۸، ص۲۳۷-۲۶۱.

- سیفی، عبدالمجید، عله پور، مهرداد ومیرزائی، معصومه(۱۳۹۵). افراطی گری در جهان عرب، زمینه های فکری و عوامل خارجی، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، شماره ۱۰، زمستان ۱۳۹۵ ص ۱۰۹-۱۲۴.

- شاه محمدی، عبدالرضا، قرائتی،علیرضا(۱۳۹۱). تأثیر دیپلماسی رسانه اي بر تبادل فرهنگی کشورها، فصلنامه مطالعات رسانه، سال هشتم، شماره ۱۹، زمستان ۱۳۹۱ ص۹۷-۱۰۸.

- شهرام نیا، امیر مسعود و نظیفی نائینی، نازنین (۱۳۹۲). تعامل و تقابل ملی گرایی و اسلامگرایی در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران. فصلنامه پژوهشهای راهبردی سیاست، ۲(۵)، ۲۱۷-۱۹۷ .

- عبداله خانی، علی(۱۳۸۳)، نظریه هاي امنیت ، مقدمه اي بر طرح ریزي دکترین امنیت ملی، چاپ سوم، تهران: موسسه فرهنگی ابرار معاصر.

- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۷). فقه سیاسی. جلد سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.

-عیوضی، محمد رحیم، خاکی، حسن ناصر(۱۳۹۶). روند فکری وحدت جهان اسلام در اندیشه متفکران مسلمان، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، شماره۱۲، تابستان ۱۳۹۶. ص۷-۳۴.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

- -فولادي، محمد (۱۳۸۷). استراتژي وحدت جهان اسلام در انديشـه امـام خمينـي (ره) ، معرفت، سال هفدهم، ش۱۲۶، خرداد۱۳۸۷.
-قائدی، محمد رضا، گلشنی، علیرضا(۱۳۹۴). آینده پژوهی روند همگرايي و وحدت دنياي اسلام، فصلنامه تحقیقات سياسي بين المللي دانشگاه آزاد اسلامي واحد شهرضا. شماره بیست و سوم - تابستان ۱۳۹۴ / صص ۱-۳۴.
- کاظم پور، زکریا، معدنی، جواد (۱۳۹۸). ظرفیتهای راهبردی جهان اسلام در هندسه جهانی قدرت، فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، سال اول، شماره دوم، زمستان ۱۳۹۸، ص ۱۰۵-۷۶.
- کرد، محمدعلی(۱۴۰۱). وحدت اسلامی، ضرورت و راهکارهای آن در اندیشه علمای معاصر اهل سنت، پایان نامه کارشناسی ارشد، زاهدان، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی.
- مرویان حسینی، مهدی، فخلعی، محمد تقی و قبولی درافشان، محمد تقی(۱۳۹۹). تبیین و تحلیل راههای ارتباط و گفتگوی بین مذاهب در اندیشة فقهی امامیه)مطالعة موردی: مدارا با مخالفان مذهبی). دو فصلنامه دین و ارتباطات، سال ۲۷، شماره۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۹ ص۳۸۱-۴۰۹.
-مستوفی الممالک، رضا (۱۳۸۱). جهان اسلام و نحوه توزیع سرزمینها و جمعیت اسلامی، تحلیل آماری، جغرافیائی و اجتماعی سیاسی در قالب نواحی اسلامی، فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء، سال دوازدهم، شماره ۴۳، پاییز ۱۳۸۱، ص ۱۸۳-۱۶۲.
- منصوریان، محمد کریم. (۱۳۸۵). روشهای کیفی و کمی در علوم اجتماعی. شیراز: نوید.
- نظری، علی اصغر(۱۳۷۲). جغرافیای ممالک اسلامی، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
-ویسی، هادی(۱۴۰۲). آینده پژوهی همگرایی کشورهای اسلامی به روش سناریو پردازی، مجله پژوهشهای جغرافیای انسانی، دوره۵۵، شماره۱ص۱۶۹-۱۸۷.
-ویمر, راجر، & دومنیک , جوزف. (۱۳۸۹). تحقیق در رسانه های جمعی (کاووس امامی، مترجم). تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

References

Holy Quran

Adler, E., & Barnett, M. (1998). A framework for the study of security communalities. In Security communalities. Cambridge: Cambridge University Press.

Amid Zanjani, A. (1998). Political jurisprudence (Vol. 3). Tehran: Amir Kabir Publications. (in Persian)

Aywazi, M. R., & Khaki, H. N. (2017). The intellectual process of unity in the Islamic world in the thoughts of Muslim thinkers. Political Thought in Islam Quarterly, 12, 7-34. (in Persian)

Arasto, A. (2009). Examining the idea of unity in the contemporary Islamic world: A model for political systems in the present era. Doctoral thesis, Tehran: Research Institute for

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

Humanities and Cultural Studies, Political Science Research Center. (in Persian)

Abdollahkhani, A. (2004). Security theories: An introduction to national security doctrine planning (3rd ed.). Tehran: Abrar Moaser Cultural Institute. (in Persian)

Bayat, M., Taheri, E., & Zolfaghari, M. (2018). Explaining the relationship between Islamic identity and Iran's security policy in Iraq and Syria using document analysis. Strategic Policy Research Quarterly, 6(24), 215-243. (in Persian)

Blake, R., & Haroldson, E. (2011). Classification of concepts in communication (translated by M. Ohadi). Tehran: Soroush. (in Persian)

Chuckel, J. T. (2012). Constructivism and foreign policy. In S. Smith et al. (Eds.), Foreign policy: Theories, actors, and case studies (Vol. 1, translated by A. M. Haji Yousofi, M. Mahmoudi, & A. Karimi). Tehran: Samt Publications. (in Persian)

Dehghani Firouzabadi, S. J. (2010). Principles and foundations of international relations. Tehran: Samt Publications. (in Persian)

Deutsch, K. W. (1971). The analysis of international relations. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.

Fischer, M. (2006). Culture and foreign politics. In The limits of culture: Islam and foreign policy. Cambridge, MA: MIT Press.

Fouladi, M. (2008). Strategy of unity in the thoughts of Imam Khomeini (RA). Knowledge, 17(126), Khordad 2008. (in Persian)

Hafez Nia, M. R., & Mirzaei Tabar, M. (2020). Capabilities and capacities for convergence in the Islamic world. Fundamental and Applied Studies of the Islamic World Quarterly, 2(1), 115-145. (in Persian)

Hettne, B., & Soderbaum, F. (2002). The new regionalism and the return of political. Paper presented at the XIII Nordic Political Science Association Meeting, Aalborg, unpublished.

Hopf, T. (1998). The promise of constructivism in international relation theory. International Security, 31, 54-169.

Kazempour, Z., & Madani, J. (2019). Strategic capacities of the Islamic world in the global power geometry. Fundamental and Applied Studies of the Islamic World Quarterly, 1(2), 76-105. (in Persian)

Khalilzadeh, S. M. M. (2010). Media diplomacy. Tehran: Office for Media Studies and

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

Planning. (in Persian)

Kord, M. A. (2022). Islamic unity: Necessity and its solutions in the thoughts of contemporary Sunni scholars. Master's thesis, Zahedan: University of Sciences and Quranic Knowledge, Faculty of Quranic Sciences. (in Persian)

Mansourian, M. K. (2006). Qualitative and quantitative methods in social sciences. Shiraz: Navid. (in Persian)

Marviyan Hosseini, M., Fakhli, M. T., & Ghabuli Darafshan, M. T. (2020). Explaining and analyzing ways of communication and dialogue between sects in the juridical thoughts of Imamiyah. Religion and Communications Quarterly, 27(2), 381-409. (in Persian)

Mostofi al-Mamalek, R. (2002). The Islamic world and the distribution of territories and Islamic population: Statistical, geographical, and socio-political analysis in the context of Islamic regions. Humanities Journal of Al-Zahra University, 12(43), 162-183. (in Persian)

Nazari, A. A. (1993). Geography of Islamic countries. Tehran: Payame Noor University Publications. (in Persian)

Palosaari, T. (2004). Beyond normal politics: Integration, EU enlargement and securitization theory. Paper presented at the EPS Net Plenary Conference, Charles University, Prague.

Qayedi, M. R., & Golshani, A. (2015). Foresight of the convergence and unity process in the Islamic world. International Political Research Quarterly, 23, 1-34. (in Persian)

Rajaei, A. A. (2011). Criteria for defining the Islamic world. Knowledge, 21(170), Bahman 2011. (in Persian)

Sarkhail, B. (2019). Religious identity and the future of convergence in the Islamic world: Challenges and solutions. Iranian Futures Studies Quarterly, 4(1), 237-261. (in Persian)

Shah Mohammadi, A., & Ghoraiati, A. (2012). The impact of media diplomacy on cultural exchange between countries. Media Studies Quarterly, 8(19), 97-108. (in Persian)

Shahramnia, A. M., & Nazifi Naeini, N. (2013). Interaction and confrontation between nationalism and Islamism in Iran after the Islamic Revolution. Strategic Policy Research Quarterly, 2(5), 197-217. (in Persian)

Saifi, A., Aleh Pour, M., & Mirzaei, M. (2016). Extremism in the Arab world: Intellectual backgrounds and external factors. Political Thought in Islam Quarterly, 10, 109-124. (in Persian)

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]

Vaysi, H. (2023). Foresight of convergence among Islamic countries using scenario planning. Human Geography Research Journal, 55(1), 169-187. (in Persian).

Wimmer, R., & Dominick, J. (2010). Research in mass media (translated by K. Imam). Tehran: Office for Cultural Research. (in Persian)

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید: DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۴۰۴۰۲

امیری، جهاندار؛ حاجی عموشا، معصومه (۱۴۰۳)، «نقش ساختارهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در کاهش اختلافات مذهبی در جهان اسلام (ارائه راهکار)» فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۱۴، ش۴، زمستان ۱۴۰۳، صص ۴۸-۲۳.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-17]